

بی توجهی به جزئیات

حسن هاشمی میناباد

تعریف روتخر برخمان، تاریخ‌نگار نواندیش هلندی و کتاب‌هایش را شنیده بودم و مشتاق بودم با آثارش آشنا شوم. در یک کتاب‌فروشی تصادفاً چشمم به تاریخ امیدبخش بشر او به ترجمه دو مترجم افتاد. باینکه نام مترجمان را نمی‌شناختم، از فرط علاقه به کتاب آن را خریدم ولی متأسفانه ترجمه، برخلاف عنوان آن، منظر چندان امیدبخشی از ترجمه پیش رویم قرار نداد. مهم‌ترین اشکال ترجمه شاید این باشد که ترجمه از زیر چهار چشم گذشته ولی توجهی به جزئیات نشده و ترجمه مگر کاری جز توجه به جزئیات است؟ در اینجا فقط چند مورد را نقل می‌کنم تا شاهدی باشد بر عدم دقت مترجمان. امیدوارم این مترجمان عزیز هم بیاموزند حال که در وادی پرخطر و پرمسئولیت ترجمه قدم گذاشته‌اند و در راهی حرکت کرده‌اند که بزرگانی در این راه قدم زده‌اند کار را سهل‌گیرند و مسئولیت خود را دریابند.

On the eve of the Second World War, the British Army Command found itself facing an existential threat.

(جمله اول کتاب) در آستانه جنگ جهانی دوم، فرمانده (ارتش انگلیس خود را با تهدیدی جدی روبه‌رو دید.

command یعنی فرماندهی، نه «فرمانده». عبارت مترجمان (فرمانده ارتش انگلیس) منطقاً هم غلط است. «یک نفر فرمانده» که با تهدید مواجه نشده، بلکه کل فرماندهان نگران‌اند. existential threat از حیث معنی شدیدتر از «تهدیدی جدی» است و چون ترکیب «تهدید وجودی» در فارسی چندان آشنا نیست می‌توان مفهوم را با ساختاری دیگر ترجمه کرد؛ مثل «خود را با خطری روبه‌رو دید که متوجه کل بریتانیا بود (هستی بریتانیا را تهدید می‌کرد)». ضمناً نویسنده یا مترجمان انگلیسی از British (بریتانیا) استفاده کرده‌اند نه از England یا English.

a certain Winston Churchill

مقصود نویسنده «وینستون چرچیل نامی» بوده و نه «وینستون چرچیل».

همان پرسش قبلی به ذهنم آمد. my mind kept coming back to the same question.

فعل keep به اضافه فعل دیگری همراه با -ing بر تداوم عمل دلالت می‌کند و به این معنی است که عملی بارها و بارها تکرار می‌شود و خود فاعل نمی‌تواند نقشی در تداوم یا قطع آن داشته باشد. این مفهوم در ترجمه جمله فوق حذف شده است.

But when I dived into the educational literature, I soon came up against a few harsh facts.

اما وقتی نوشته‌های آموزشی را مطالعه کردم چند حقیقت دشوار فکرم را به چالش کشید.

dive into خیلی راحت به «مطالعه کردن» برگردانده شده و «حقیقت دشوار» ترکیب رایجی در فارسی نیست و در اصطلاح زبان‌شناسی «دشوار» با «حقیقت» همراه و همنشین نمی‌شود. می‌شود گفت: «حقیقت تلخ». در متن اصلی خبری از «به چالش کشیدن» نیست. چرا مثل خود نویسنده نگوییم: به چند حقیقت تلخ برخورددم.

انگیزه درونی کودکان به شکل نظام‌مندی خاموش شده است.

هم stifled به معنی سرکوب کردن و فرونشاندن است و هم اطلاعاتی که در این فصل آمده است نشان می‌دهد که نظام آموزشی چه بلاهایی سر کودکان و انگیزه‌ها و خلاقیت آنها آورده است.

هر جا را نگاه کنید آزادی کودکان محدود شده است. ... is being limited

در واقع آزادی کودکان «دارد» محدود می‌شود.

... but ultimately scrapped over the concerns that the populace, paralysed by fear, would never re-emerge.

این برنامه [حفر پناهگاه‌های زیرزمینی] در نهایت با توجه به نگرانی از اینکه مبدا جمعیت از ترس فلج شوند، هرگز عملی نشد.

سیاستمداران بریتانیایی ترسیده‌اند مردمی که به پناهگاه‌های زیرزمینی رفته‌اند مبدا از ترس حملات آلمانی‌ها دیگر از آنجا خارج نشوند (re-emerge). «هرگز» قید است برای re-emerge. نه برای فعل اصلی جمله (scrapped). فعل اصلی جمله scrapped است به معنی کنار گذاشتن.

A few psychiatric field hospitals were thrown up outside the city...

چند بیمارستان صحرائی روانپزشکی برای پرستاری از اولین موج قربانیان به خارج از شهر منتقل شدند. (ص ۱۴)

فعل مرکب throw up یعنی به سرعت/ با شتاب ساختن، سردستی ساختن. «به خارج از شهر

منتقل شدن» سناریوی مترجمان است.

۳۴۸ هواپیمای بمب‌افکن آلمانی از کانال عبور کردند.

بگذریم از این که وقتی بمب‌افکن می‌گوییم می‌دانیم که صحبت از هواپیماست و «هواپیمای بمب‌افکن» حشو دارد. این‌گونه حشو را در «صدای آژیرها به صدا درآمد» (دو جمله بعد) هم می‌توان دید. بمب‌افکن‌ها از کدام کانال گذشتند؟ دقت کنید که the Channel هم حرف تعریف معرفه the دارد (پس برای خواننده انگلیسی یا غربی معلوم است که از کدام کانال صحبت می‌شود) و هم Channel با حرف کاپیتال شروع شده و نشان می‌دهد که از کانال خاصی صحبت به میان آمده است که همان کانال مانس باشد. اطلاعات دستوری (حرف تعریف the) و قواعد کاپیتال‌نویسی را باید هنگام ترجمه نصب‌العین قرار داد و اطلاعات را براساس آنها برای مخاطب زبان مقصد ترجمه کرد.

وقتی کشور برای ماه‌ها بمباران شد (ص ۱۴)

در ترجمه حرف اضافه for به اضافه قید زمان نیازی به آوردن «برای» نیست. و این هم نمونه‌ای از ترجمه لفظ به لفظ و گرت‌برداری نحوی از انگلیسی است. on end (بی‌وقفه، پیوسته) در عبارت for months on end حذف شده که به صحت جمله و حقایق تاریخی لطمه می‌زند.

صحبت‌های یک روانپزشک کانادایی (ص ۱۴) ... the account of...

چه ضرری دارد account را به درستی به «روایت» ترجمه کنیم و سراغ کلمه دور «صحبت» نرویم؟ اگر متن اصلی در دست نباشد و این ترجمه را بدون مقابله با متن اصلی بخوانیم، متوجه این‌گونه بی‌دقتی‌ها و سایه‌نمایی‌های مترجمان نمی‌شویم.

تمام آنچه باقی مانده بود (ص ۱۴) All that remained

در فارسی طبیعی این عبارت مترجم را به صورت «هرآنچه (باقی) مانده بود» بیان می‌کنیم.

آژیر هشدار هوایی (ص ۱۵) را در زبان فارسی می‌گویند «آژیر حمله هوایی» و قوانین راهنمایی را می‌گویند «قوانین رانندگی».

اگر فقط یک مورد باشد که تمام گزارش‌های مربوط به حمله برق‌آسا با آن هم‌خوانی داشته باشند، توصیف آنها از آرامش عجیبی بود که در آن ماه‌ها بر لندن حکمفرما بود. (ص ۱۵)

in common بر «مشترک بودن» دلالت می‌کند و با «هم‌خوانی» اصلاً هم‌خوانی ندارد. فاعل «یک مورد» مفرد است و فعل آن «داشته باشند» باید مفرد باشد.

The stiff upper lips

آنها چیزی را به روی خودشان نمی‌آورند (ص ۱۵)

این اصطلاح یعنی خم به ابرو نیاوردن. مترجمان humour را به طنز و کنایه تبدیل کرده‌اند

که کنایه‌اش درست نیست. در دورهٔ بمباران گستردهٔ لندن، صاحب فروشگاهی این تابلو را به طنز و به نشانهٔ استقامت و پایداری انگلیسی‌ها نصب کرده بود: پنجره‌های ما شکسته‌اند، اما نوشیدنی‌هایمان عالی است! بیایید امتحان کنید. (ص ۱۵) خواننده طنزی در این ترجمه نمی‌بیند. مسئله این است که spirit هم به معنای «روحیه» است و هم به معنای «نوشیدنی» (از نوعی که در ایران ممیزی می‌شود). مترجمان باید این بازی زبانی و این نکته‌سنجی و شوخ‌طبعی انگلیسی‌ها در بجهوهٔ بمباران را به نوعی به خوانندهٔ فارسی منتقل می‌کردند.

More detrimental to British war machine...

آنچه برای ماشین جنگی انگلیس تعیین‌کننده‌تر بود (ص ۱۵)

detrimental یعنی زیان‌آور، زیان‌بار، خسارت‌بار، آسیب‌زا.

امشب شاهد عملیات برق‌آسایی خواهیم بود. (ص ۱۵) Very blitzy tonight.

قبل از این جمله، نویسنده گفته که بریتانیایی‌ها همان‌طور که مشکل تأخیر قطار را تحمل می‌کردند، بمباران هوایی آلمانی‌ها را هم تحمل می‌کردند. مترجمان Blitz آلمانی را به حملات برق‌آسا ترجمه کرده‌اند که اشکال خاصی ندارد؛ جز اینکه برخی از واژه‌ها و اصطلاحات آلمانی چه در عرصهٔ نظامی و چه در حوزهٔ فلسفه و روان‌شناسی و ادبیات عیناً در زبان‌های دیگر به‌ویژه زبان‌های اروپایی به‌کار می‌رود تا صبغه و حال‌وهوای خاص آلمانی را نشان دهد مانند لوفت‌واهه (نیروی هوایی آلمان)، گشتالت (در روان‌شناسی)، bildungsroman (رمان تربیتی)، Lebensraum (فضای حیاتی، که هیتلر از جهانیان طلب داشت)، ورماخت (ارتش آلمان)، و دازاین (در فلسفه). انگلیسی‌های طنز هم از Blitz آلمانی صفت blitzy را در قیاس با و هم‌وزن breezy (هوای توأم با نسیم، خنک) ساخته‌اند. جالب اینکه breezy به معنای شاد و شنگول هم هست که هر دو معنی را با بلیتز آلمانی همراه کرده‌اند.

قربانی آسیب‌دیده (ص ۱۶)

این قربانیان جنگ دچار چه آسیبی شده‌اند؟ جسمی؟ روحی؟ مالی؟ traumatised به‌صراحت نشان می‌دهد که دچار ضربه/ آسیب روانی شده‌اند.

اندوه وحشتناک (ص ۱۶) terrible grief

در اینجا terrible بر شدت دلالت می‌کند نه بر وحشتناک بودن.

... nobody cares about your politics, or whether you were rich or poor.

هیچ‌کس به سیاست یا فقر و ثروت دیگری اهمیت نمی‌داد. (ص ۱۶)

politics در اینجا «عقیدهٔ سیاسی» است نه «سیاست». مترجمان، هم در این جمله و هم

در عبارت بالا و هم در بسیاری مواضع دیگر به گفتهٔ سیروس پرهام مرحوم دچار «افسون معنای اول» شده‌اند و اولین معنای کلمه را که در ذهن داشته‌اند به کار برده‌اند، غافل از اینکه کلمات معانی فرعی گوناگون دیگری هم دارند.

روحیه و رفتار جامعهٔ انگلیس از بسیاری جهات با حملات برق‌آسا بهتر شد (ص ۱۶) در آغاز مقاله اشاره شد که مترجمان British را به انگلیسی ترجمه کرده‌اند. بریتانیا اصطلاح شامل (superordinate term) و عام است و England و اسکاتلند و ویلز و مستعمرات این کشور را در بر می‌گیرد. در مباحث رسمی از Britain استفاده می‌شود. England هم مفهوم اختصاصی دارد و بر بخش غربی جزیره دلالت می‌کند و هم معنای عام دارد و مترادف است با Britain. مترجم باید از این تمایزات آگاه باشد و معادل مناسب با متن و موقعیت را پیدا کند. در صفحات قبل ترجمهٔ British به انگلیسی ایرادی نداشت، اما این کلمه در اینجا معنای عام دارد و باید به بریتانیا تبدیل شود.

to deploy its own fleet of bombers against enemy

ناوگان بمب‌افکن‌های خود را علیه دشمن به صف کند (ص ۱۵)

این چه استراتژی نظامی عاقلانه‌ای است که بمب‌افکن‌ها را در مقابل دشمن به صف می‌کند؟ deploy یعنی وارد میدان کردن و به کارگرفتن. شاید مترجمان خواسته‌اند با به‌صف کردن بمب‌افکن‌ها کمی شیرین‌کاری کنند.

اندکی پس از تسلیم آلمان در ماه مه ۱۹۴۵، تیمی از اقتصاددانان کشورهای شکست‌خورده که از طرف وزارت دفاع ایالات متحد وظیفهٔ بررسی اثرات بمباران را بر عهده داشتند از کشور مغلوب دیدن کردند. (ص ۱۹)

جملهٔ مرکب بالا را کوتاه می‌کنیم: «تیمی از اقتصاددانان کشورهای شکست‌خورده از کشور مغلوب دیدن کردند. اقتصاددانان کشورهای شکست‌خورده از طرف وزارت دفاع آمریکا مأمور شده بودند.» ما که گیج شدیم. شما چطور؟ منظور نویسنده تیمی از اقتصاددانان Allied یعنی متفقین، یعنی مجموعهٔ کشورهای پیروز بوده که از طرف آمریکا مأمور شده است. آیا می‌توان به چنین ترجمه‌ای اعتماد کرد؟ خوانندهٔ عادی بدون مراجعه به متن اصلی هم می‌تواند به تناقض جملهٔ بالا پی ببرد.

... our state of civilisation is no more than skin deep.

همهٔ آنها با ادعای روان‌شناس گوستاو لوبون موافق بودند که دولت متمدن فقط پوستهٔ ظاهری است و عمقی ندارد [...] حملات هوایی باعث می‌شود این پوستهٔ شکننده منفجر و قطعه قطعه شود. (ص ۱۹)

خب، «دولت متمدن» اگر پوسته‌اش بشکند و منفجر و قطعه قطعه شود، غمی نیست؛ ملت

که از بین نمی‌رود. این جمله در واقع تحریفی است هوشمندانه از ضرب‌المثل Beauty is skin deep (only) به این معنی که درون و باطن مهم است نه صورت زیبا (صورت زیبای ظاهر هیچ است/ ای برادر سیرت زیبا بیار). صدالبته ابتدائاً مترجم باید این ضرب‌المثل انگلیسی را بشناسد تا بعداً بفهمد بازی زبانی‌ای بر پایه آن صورت گرفته است. state of civilisation به حالت ظاهری تمدن‌ها اشاره می‌کند. این نکته در اوایل فصل اول تشریح شده است.

واکنشی که مردم انگلیس در دوران حملات برق‌آسا نشان دادند شاید موضوعی مختص انگلیس تصور شود. (ص ۲۰)

من هرچه ذهن خودم را و فرهنگ‌های تک‌زبانه و دوزبانه را کندوکاو می‌کنم، نمی‌توانم از resilience به «واکنش» برسم. موضوع بحث، مقاومت مردم بریتانیاست و صبر و تحملشان، و resilience به معنای «تاب‌آوری» است.

شاید مترجمان هنوز گرم نشده‌اند و دستشان راه نیفتاده است. حال بینیم وقتی که بخش‌های زیادی از کتاب را ترجمه کردند و سوار کار شدند، چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌رویم به صفحه ۲۷۳.

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان هر دو نسبت به این افزایش‌ها هشدار دادند. (ص ۲۷۳) Developments (تحولات) طبق چه قانون و فرهنگ لغتی به «افزایش‌ها» تبدیل شده است؟ این‌گونه غلط‌های ساده، نگارنده را به این فکر می‌اندازد که مبادا شخص ثالثی این ترجمه را بازنویسی کرده باشد بدون اینکه نگاهی به متن اصلی بیندازد.

پژوهش گسترده‌ای توسط OECD (اندیشکده جهانی) از کودکان دبستانی نشان داد... (ص ۲۸۲)

نشانه اختصاری OECD باید در پانویس بیاید و اندیشکده جهانی جزو متن اصلی باشد. «پژوهش از» کودکان دبستانی یا درباره آنها؟ حروف اضافه و ربط و عطف غالباً معنای مشخصی ندارند؛ متن است که معنایشان را مشخص می‌سازد.

کروکودیل‌ها برای تفنن روی آب، موج‌سواری می‌کنند (ص ۲۷۳) آیا کروکودیل‌ها، محض تفنن، روی خشکی هم می‌توانند موج‌سواری کنند؟ «روی آب» همراه با موج‌سواری زائد است و به اصطلاح قدما حشو قبیح است.

... octopuses firing water jets at empty medicine bootles.

هشت‌پاها [...] با بطری‌های خالی دارو، فواره آب درست می‌کنند. (ص ۲۷۳)

فارغ از اینکه نویسنده می‌گوید هشت‌پاها آب را به صورت فواره به بطری‌های خالی دارو

شلیک می‌کنند، مجسم کنید هشت‌پاها را که به گفته مترجمان چطور با بطری‌های خالی دارو، فواره درست می‌کنند. آنها باید عقل و هوش و مهارت انسان را داشته باشند تا با قوطی‌های خالی دارو، فواره درست کنند. سؤال دیگری هم پیش می‌آید: آیا اصلاً انسان می‌تواند چنین کاری بکند؟

... no other species enjoys a childhood as long as homo poppy.

هیچ گونه دیگری به اندازه انسان نرم‌خوی جامعه‌پذیر از دوران کودکی خود لذت نمی‌برد. (ص ۲۷۴)

as long as به طول یا طولانی بودن دوره کودکی اشاره دارد که در ترجمه نیامده است.

... the culture of play looks very similar across the board.

اما فرهنگ بازی بین همه تقریباً مشابه است. (ص ۲۷۴)
مترجمان very را تقریباً ترجمه کرده‌اند. فرهنگ مریام وبستر across the board را چنین تعریف کرده است: embracing or affecting all classes or categories

آغاز تمدن، یوغ کار سخت مزرعه را برای بچه‌ها به ارمغان آورد. (ص ۲۷۵)
mind-numbing به سخت ترجمه شده است. فرهنگ مریام وبستر تعریف و مترادف زیر را از این صفت به دست داده است: relentlessly tedious: dull که ما را به معادل «بسیار ملال‌آور و خسته‌کننده» هدایت می‌کند.

اجداد شهرنشین و روستانشین (ص ۲۷۵)

agrarian یعنی کشاورز نه «روستانشین». (این کلمه با agriculture هم خانواده است.)

... kids still work sewing machines to produce our bargains.

هنوز در بنگلادش کودکان برای امرارمعاش با چرخ خیاطی کار می‌کنند. (ص ۲۷۵)
مترجمان هر جا کلمه سختی می‌بینند به جای تلاش در جهت حل مشکل، داستان‌سرایی می‌کنند. یکی از معانی bargain جنس و کالای ارزان است. کودکان هنوز هم در بنگلادش با چرخ خیاطی کار می‌کنند تا برای ما غریبان کالای ارزان تولید کنند.

reconciliation به «دوستی» (ص ۳۲۷) ترجمه شده، درحالی‌که به معنای «آشتی» است آن هم در جایی که صحبت از آشتی ملی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی به میان آمده است.

آن دو [برادران سفیدپوست کنستانت و آبراهام ویلیون] آفریقایی بودند. (ص ۳۲۸)
دو سفیدپوست چطور آفریقایی و طبعاً سیاه‌پوست شدند؟ Afrikaner سفیدپوست

هلندی تبار اهل افریقای جنوبی است.

Viljoen نام خانوادگی آفریکانری (به قول مترجمان، آفریقایی) است و تلفظش وین است (برای یافتن تلفظ این اسم خاص و دیگر اسم‌های خاص مراجعه کنید به سایت forvo.com).

بسیاری از مردم افریقای جنوبی برام [یکی از این دو برادر] را مرتد می‌دانستند. (ص ۳۲۹)
برام ترک دین مسیحیت نکرده بود و همچنان مسیحی بود و در رشته الهیات درس خوانده بود. همه جا نمی‌توان heretic را «مرتد» نوشت. او بدعت‌گذار یا بددین شده و بدعتش در دین و رسم و آیین این بوده که سیاه‌پوستان را انسانی برابر با سفیدپوستان دانسته است.
در مورد سبک نویسنده جای صحبت نمی‌ماند. وقتی مترجمان با کلمات و جمله‌های ساده چنین می‌کنند، پرواضح است که از درک و انتقال سبک روایی نویسنده هم درخواهند ماند. بخش‌های دیگر کتاب هم به همین نحو هستند و در به همین پاشنه می‌گردد. باشد که حس مسئولیت در قبال جامعه و علم و زبان فارسی اندکی بیشتر شود.